**ویلیام وردزورث**

**سعادت نوری، حسین**

کسانیکه شرح حال لارد بایرون شاعر معروف انگلیسی را مطالعه کرده باشند خوب‏ میدانند که دورهء زندگانی شاعر نامبرده باحوادث و سوانح گوناگونی سپری شده است‏ که در نتیجه افکار او را آشفته و پریشان و تاریخ حیات ویرا تأثرانگیز نموده است.

احساسات تند و افراطی بایرون و خیالات متشتت و پریشان و افکار درهم و پراکنده‏ مانع از این بوده است که شاعر بیچاره توجه خود را بمناظر زیبای طبیعت معطوف و در مواهب الهی غور و مداقه نماید.

ویلیام وردزورث برعکس بایرون،عاشق ریزه کارهائی بود که نقاش طبیعت بر رویو صفحات مزارع سبز و خرم و جلگه‏های فرح‏انگیز و مصفا ترسیم مینمود.هر قدر بایرون‏ سطحی و نسبت بظواهر امور علاقه و دلبستگی داشت وردزورث به کنه اوضاع تعمق میکرد و فصل خزان زا به بی‏ثباتی روزگار و ریزش آبشار را بقطرات اشک عاشق و رنگ گلگون‏ شفق را بقلوب حزین دلباختگا عالم عشق و محبت تعبیر مینمود.

بایرون به فقرا و بیچارگان کمتر ابراز ترحم و شفقت میکرد ولی وردزورث هموارهء اوقات در جستجوی ستمدیدگان بود تا نیازمندیهای آنها را مرتفع نماید.

لارد بایرون برای اوصاف حمیده و کلمات فاضله اهمیتی قایل نبود ولی وردزورث‏ عفت و تقوی را در درجهء اهمیت میدانست.

بایرون در ریعان جوانی زندگی را بدرود گفت و یک سلسله عادات زشت و ناپسند را پشت سر نهاد اما وردزورث در دورهء کهولت دار فانی را وداع گفت و در تمام طول عمر از خط مشی آبرومندانه‏ایکه برای خود اتخاذ کرده بود تخطی و تجاوز ننمود.

البته ممکن است بایرون را از لحاظ قریحه و موهبت خداداد و تنظیم اشعار قشنگ‏ و قطعات ادبی گرانبها مورد تمجید قرار داد لیکن وردزورث را باید هم از نظر منظومه‏های‏ شیرین و هم بواسطهء اخلاق نیکو و احساسات نوع پرستی تقدیر و تحسین کرد.

ویلیام وردزورث در هفتم آویل 1770 در کاکرموت واقع درایالت کمبرلند انگلستان‏ در خانوادهء محترمی قدم بعرصهء وجود نهاد.تندخوئی و گریه‏های گاه و بیگاه وردزورث‏ در دورهء صباوت،مادرش را نسبت بآتیهء او بدبین ساخت و در دورهء تحصیل نیز در مدرسه‏ چندان مورد توجه قرار نگرفت.

وردزورث از همان ابتدای جوانی بسائقهء قریحه و موهبتی که خداوند در او بودیعت‏ نهده بود قطعات شیوائی تنظیم و میان رفقای مدرسه منتشر مینمود.استادی و زبردستی‏ وردزورث در شعر و ادبیات بتدریج تحقق حاصل کرد و معلومات و اطلاعات سرشار ادبی‏ او را نباید نتیجهء کتب و دواوین شعرای بزرگ دانست بلکه وردزورث انجام اشعار و حسن ترکیب عبارات و شیوهء مطلوب و سیاق پسندیدهء منظومه‏های خود را مدیون مناظر زیبای لیک دستریکت و دورنماهای جالب توجه و دلفریب آن حول‏وحوش میباشد.

پس از اینکه وردزورث بسن رشد و نبوغ رسید اکثر اوقات خود را در آغوش‏ کوهسار و پای جویبار و میان کشتزارهای سبز و شاداب حوالی لیک دستریکت سپری میکرد و همین منظره‏های فرح‏انگیز بود که احساسات و ذوق شاعرانهء او را تحریک مینمود. خو شاعر این کیفیت را در یکی از قطعات ادبی خو چنین بیان کرده است:

«این دورنماهای زیبای فناناپذیر روح مرا بوحد در میآورد و مثل اشعهء زرین‏ خورشید که در اولین طلیعهء بامداد منظره‏ای نشاطانگیز بچمنهای سبز میدهد احساسات‏ نوینی در من ایجاد مینماید.این منظره‏های بجهت‏انگیز بمنزلهء بارقه‏های امید بخشی‏ است که در صحنهء افکار من پرتوافکن میشود.»

وردزورث در 1981 بدریافت گواهینامهء بی.آ (B.A) نایله گردید و بدون اتخاذ تصمیم قطعی مدرسه را ترک گفت.خود او در این باره میگوید:«هرچه فکر میکنم کار کلیسا بدرد من نمیخورد و افکار مشوش مالیخوالیائی من با اشتغال بکارهای روحانی منافات‏ و مغایرت دارد».شاعر مدتی را در لندن بدون برنامهء معین توقف کرد و خود را تسلیم‏ حوادث و اتفاقات پایتخت پرغوغای انگلستان نمود.این وضع بی‏شباهت نبود بوضع‏ زندگی کشاورز ناکام و محروم«درهء تیلز بری»که خود او برشتهء نظم کشیده و میگوید: «در زادگاه پرآشوب خود مثل اشخاص بیگانه و اجنبی که فرسنگها از بستگان و آشنایان‏ خویش دور افتاده‏اند روز را بسر میرسانید و واقعات روزمره را باحیرت و شگفتی تلقی‏ مینمود».پس از چندی که بدین منوال گذشت برای فراگرفتن زبان فرانسه عازم پاریس شد و هنگام اقامت در آن کشور با انقلابیون و جمهوریخواهان طرح آشنائی ریخت و سرانجام‏ مصمم شد عضویت فرقهء زیروند را بپذیرد و هرگاه این تصمیم بمرحلهء عمل درآمده بود شاعر آزاد بدون تردید شهید تیغهء گیوتین میگردید.همینکه بستگان و دوستان او از چگونگی خبردار شدند مدد معاش او را قطع و ویرا مجبور بمراجعت بوطن نمودند تا از خطر تیغهء گیوتین رهائی بیابد.

فکر رژیم جمهوری چنان در دماغ شاعر رخنه و نفوذ کرده بود که هر کجا میرسید دم از جمهوریت میزد و پیوستهء از انقلاب سخن بمیان میآورد.«دروزی»خواهر مهربان‏ وردزورث که تنها مونس مشفق و مهربان ا بء رفته‏رفته ا را از این خیال منصرف‏ کرد و سرانجام شاعر وارد حزب محافظه‏کار شد.

وردزورث اولین کتاب ادبی خود را در سال 1798 بنام«ترانه‏ها»بموقع انتشار گذاشت و بلافاصله بمعیت خواهر خود برای تکمیل زبان آلمانی روانهء برلین شد.

بیشتر از منظومه‏های شاعر که بمنزلهء شاهکارهای ادبی زبان انگلیسی میباشد یعنی‏ «لوسی گری»و«روت»و«نتینگ»هنگام اقامت در آلمان برشتهء نظم کشیده شده است.

پس از مراجعت بوطن که در سال 1799 اتفاق افتاد در گرازمر واقع در ناحیهء لیک دیستریکت سکونت اختیار کرد و جلد دوم«ترانه‏ها»را طبع و منتشر نمود.در سال‏ 1852 با«مری هچین سن»ازدواج کرد و این دوشیزه که ذوق و قریحهء شاعرانه داشت مونس خوبی برای شاعر بشمار میرفت.

وردزورث با همسر و خواهر خود در یک خانه زندگی میکرد و اگرچه اغلب شعرای‏ معاصر از قبیل کلریج،ویلسن و سودی بملاقات او میرفتند ولی او کمتر با مردم خلطه و آمیزش داشت.در یکی از منظومه‏های خود میگوید:

«چه خوش دارم تنها بنشینم و اشتعال آتش بخاری را تماشا کنم و زمزمهء غلیان‏ آب کلطلی را گوش بگیرم و از اصغای یاوه سرائیهای مردم آسوده بمانم.»

اولین واقعه‏ایکه روحیهء شاعر را تکان داد و ویرا دستخوش احساسات تأثرانگیز ساخت مرگ برادرش«جان»بود که در 1085 غرق دریا شد.این دو برادر منتها درجه‏ بهمدیگر علاقمند بودند و مرگ برادر برای وردزورث ضایعهء جبران‏ناپذیری بود که‏ تا پایان عمر او را مهموم و افسرده‏خاطر ساخت.در هان سال مرگ نلسون دریا سالار معروف انگلیسی اتفاق افتاد و شاعر تحت تأثیر این دو فاجعه بنظم داستان«جنگجوی‏ شادمان»مبادرت نمود.

در سنهء 1813 وردزورث به«ریدیال مونت»نقل مکان کرد و تا پایان عمر در آنجا بسر برد و یک سال بعد از ورود باین محل داستان منظوم«تفرج»را بموقع انتشار گذاشت‏ که متأسفانه مورد توجه محافل ادبی قرار نگرفت ولی شاعر از این پیش‏آمد دلسرد نگردید و در نامه‏ای بیکی از دوستانش چنین نوشت:

«اجازه بدهید من عقیدهء خود را رک و راست راجع باشعارم برای شما بنویسم. هرگاه جامعهء امروزی به لطف کلام و شیوائی منظومه‏های من پی نمیبرد شکی نیست فردا که من و شما در اعماق قبر خفته و چشم از جهانیان نهفته‏ایم این ابیات و قصاید مورد توجه واقع خواهد شد.»

در سال 1842 دولت سالیانه سیصد پوند مستمری برای وردزورث برقرار ساخت‏ و پس از درگذشت سودی ملک الشعرای دربار سلطنتی شد.زندگانی آرام و ساکت شاعر در بیست و سوم آوریل 1850 پایان پذیرفت وردزورث از این دیار فانی بسرای جاودانی شتافت.

در شماره‏های بعد ترجمهء یکی دو منظومهء وردزورث برای نمونه بنظر خوانندگان‏ گرامی یغما خواهد رسید.